

ایران در دوراهی توافق– جنگ

بررسی واقعیت‌ها



محمد محمودی‌کیا*

*محمد محمودی‌کیا، مدیرعامل شرکت پارس‌پتروشیمی

آفندی ایران است که می‌تواند در صورت بروز هر گونه اقدام نظامی، در کمترین زمان ممکن سناریوهای از پیش تعیین‌شده را عملیاتی کند. بدان معنا که به‌محض شناسایی هرگونه اقدام نظامی توسط سازمان راداری، سناریوهای پاسخ وارد مرحله عملیاتی و اقدام خواهد شد که این موضوع نیز تأثیر قابل‌توجهی بر افزایش هزینه هر نوع اقدام نظامی علیه ایران بر جای خواهد گذاشت.

همچنین افزایش حضور و ارتقای سطح توانمندی‌های نظامی ایران در دریا و آب‌های آزاد که طی دهه اخیر بدان اهتمام خاصی ابراز شده نیز به تقویت توان بازدارندگی ایران و افزایش دایره تنش در صورت هرگونه اقدام نظامی از طرف متخاصم یا متخاصمان منجر شده است.

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و تسلط آن بر تنگه هرمز یا حمایتی که از جانب انصالله یمن در تنگه باب‌المندب دارد یا آنچه در هفته‌ها گذشته در ساحل غربی دریای سرخ، در سودان در حال وقوع است، همگی مؤید قدرت و گستره توان بازدارندگی ایران است که تمام این عوامل هزینه هرگونه ماجراجویی نسبت به آن را به‌طور غیرقابل پیش‌بینی افزایش می‌دهد.

تمام لجستیگ موجود در پایگاه دیگو گارسایا قیائوس هند که در کمترین فاصله با ایران با بعد مسافتی قریب به سه هزار کیلومتر قرار دارد، در صورت ورود به عملیات نظامی توسط سامانه‌های راداری در بلند و فراقط نگر OTH قابل شناسایی بوده و عملیات پاسخ متقابل ایران نیز بیش از ورود هرگونه عنصر متجاوز می‌تواند اهداف مورد نظر در فواصل مختلف را مورد اصابت قرار دهد.

نکنه حائز اهمیت دیگر عدم تمایل جدی اعراب حاشیه خلیج فارس و دیگر دول عربی هرچهمجرا همچون اردن برای دورکردن خود از زمین‌منزاع احتمالی بین ایران و آمریکا‌ست. چراکه قطعا در صورت راه‌آبی از پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاک این کشورها و با اجازه استفاده از حریم هوایی برای هرگونه اقدام تجاوزکارانه نسبت به ایران، با پاسخ فوری و گسترده ایران مواجه خواهد شد.

ایین فهم از تهدید منجر به فعال‌شدن کانال‌های لابی عربی در داخل آمریکا برای اجتناب از هرگونه تنش نظامی در منطقه شده است و انتظار می‌رود در صورت تشدید زمینه‌هایی بحران شکل بارزتری نیز به خود بگیرد.

بسیار دور از انتظار است که ایران اقدام نظامی پیش‌دستانه در دستور کار خود یا اراده قطعی برای ساخت یا آزمایش سلاح هسته‌ای داشته باشد چراکه به لحاظ فنی اولاً نگهداری تسلیحات هسته‌ای هزینه‌های هنگفتی به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند؛ ثانیاً برای بازدارندگی مؤثر نیازمند مکان‌های مختلف برای ذخیره‌سازی و نگهداری سلاح‌های هسته‌ای هستیم تا امکان زدن ضربه دوم برای کشور محفوظ بماند؛ ثالثاً اعلام برخورداری از سلاح هسته‌ای با آزمایش آن همراه است که این اقدام آسیب‌های جبران‌ناپذیری به محیط زیست وارد خواهد کرد که با اصول اخلاقی، ارزش‌های انسانی و اعتقادات دینی ایرانیان همخوانی ندارد.

ضمن اینکه سلاح هسته‌ای اساساً قابلیت کاربست در جنگ‌ها را نداشته و قدرت ویرانگری غیرقابل مهار آن به کشتار وسیع انسانی منجر خواهد شد که در طول سال‌های پسابج تکون در هیچ منازعه‌ای حتی در اوج رقابت‌های جنگ سرد نیز مورد استفاده قرار نگرفته است. در نقطه مقابل، قرارگرفتن در آستانه سلاح هسته‌ای در کنار دیگر مؤلفه‌های قدرت که در سطور بالا بدان اشاره شد، همان

طرح کاشت یک میلیارددرخت



رضا آقایی

رضا آقایی، مدیرعامل شرکت پارس‌پتروشیمی

به‌منظور تأمین منابع آب اراضی زیر‌پوشش طرح استفاده از انواع روش‌های به‌تله‌اندازی آب در سرشاخه‌ها از قبیل اجرای بندهای ذخیره‌ای تا برداشت مستقیم از آب رودخانه‌ها بدون توجه به حقوق پایین‌دست صورت گرفت که نتایج نام‌گوار آن در آشفتگی حقبه‌های پایین‌دست و کاهش تغذیه آبخوان‌های حوضه‌های آبریز کشور بر کسی پوشیده نیست. تقدهایی بر طرح کاشت یک میلیارد درخت وجود دارد که می‌توان به کوتاهی طول دوره چهارساله، انتخاب گونه‌های نامناسب و احتمال ایجاد مشکلات زیست‌محیطی از قبیل کاهش تنوع زیستی، اختلال در چرخه آب و گسترش برخی آفات و بیماری‌ها در منطقه، ابهام در تأمین مالی، ابهام در نحوه مشارکت مردمی در کاشت و به‌ویژه نگهداشت و بهره‌برداری، نحوه تأمین آب و… اشاره کرد. از طرفی برای اجرای موفق این طرح به نکاتی اشاره شده است که می‌توان به لزوم ایجاد یک چارچوب حکمرانی مناسب، به رسمیت شناختن و حفظ ارتقایی و سامانه‌های عرفی جوامع محلی و هموابسته‌سازی منافع آنها به منافع حاصل از طرح، هماهنگی طرح با اسناد بالادستی مصوب نظیر اسناد آمایش سرزمین ملی و استانی، مستندسازی تجربیات موفق و ناموفق و… اشاره کرد. در این یادداشت به یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اجتماعی این طرح در راستای رعایت حقوق پایین‌دست و بالادست پرداخته شده است تا این طرح سرنوشث شبیه طرح طوبی را در ایجاد ناهنجاری‌های آبی پیدا نکند.

هرچند طرح کاشت یک میلیارد درخت در مناطقی که بارش سالانه آنها بیش از ۳۵۰ میلی‌متر در سال باشد، به اجرا درخواهد آمد ولی در این زمینه این سؤال مطرح می‌شود که منظور طرح، بارش متوسط سالانه حوضه آبریز یا بارش نقطه‌ای در بخشی از حوضه آبریز است؟ اگر منظور طراح بارش متوسط حوضه آبریز باشد، دراین‌صورت به غیر از ناحیه شمالی حوضه آبریز دریای خزر که دشت‌های آنها بارش مساوی یا بیش از سرشاخه‌های آن را دارد، موقعیت دیگر حوضه‌های آبریز کشور به نحوی است که پایاب حوضه‌ها یا به عبارتی دشت‌های این حوضه‌های آبریز دارای بارش‌های به مراتب کمتر از ۳۵۰ میلی‌متر در رسال را دارند. درصورتی‌که منظور طراح گزینه دوم باشد، خود مؤید نقد گزینه اول خواهد بود یا اینکه منظور طراح بارش متوسط زیرحوضه‌های حوضه‌های آبریز اصلی کشور است، دراین‌صورت طراح فارغ از اثرات متقابل زیرحوضه‌ها در مقایسه با یکدیگر، این

استراتژی منطقی و مؤثری است که تاکنون مانع از هرگونه اقدام تجاوزکارانه نسبت به تمامیت ارضی و منافع ملی کشور شده است.

تا بدین‌جا عنصر جنگ در واقعیت‌های میدانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. با این همه هرچند گزینه جنگ آن هم در سایه شرارت‌های رژیم صهیونیستی محتمل است، ولی احتمال وقوع آن با توجه به محدودیت‌های مورد اشاره نمی‌تواند چندان به واقع نزدیک باشد. البته برای همان اندک احتمال موجود نیز باید در بالاترین سطح برای آمادگی کامل اندیشید و سناریوهای اقدام می‌بایست در هر لحظه امکان عملیاتی‌شدن داشته باشد.

اما در بخش دوم، یعنی میز مذاکره روایت‌های مختلفی از سطح توقعات طرف آمریکایی مطرح است- تا جایی که تام کاتن، سناتور آمریکایی نزدیک به ترامپ می‌گوید رئیس‌جمهور این کشور ترجیح می‌دهد توافق با ایران شبیه به توافق واشنگتن با لیبی در سال ۲۰۰۳ باشد. البته اینکه دقیقاً مذاکرات جاری غیرمستقیم در عمان بر چه موضوعاتی دایر است، اطلاعات قابل اعتمادی در دسترس نیست، ولی از شواهد و برخی اظهارنظرات طرفین به نظر می‌رسد مذاکرات برای یک توافق جامع با آمریکا مسیر بسیار دشواری پیش‌روی خود خواهد داشت و شاید آغاز مذاکرات به صورت غیرمستقیم از سوی ایران نیز دلالت بر همین مطلب دارد که تا افق دیدگاه‌ها روشن نباشد و دایره مسائل تبیین نشود، نمی‌توان به مذاکرات مستقیم ورود کرد. طبعاً این مرحله نمی‌بایست چندان زمان‌بر باشد و دیر یا زود باید برای ادامه مذاکرات به‌صورت بی‌واسطه و مستقیم تصمیم‌گیری شود.

اهمیت میز مذاکره و به طور مشخص مذاکره مستقیم، رسیدن به یک تصویر مشترک از موضوعات، راهکارها و افق‌های قابل حصول در کمترین زمان ممکن است. تجربه برجام نشان داد امکان دستیابی به یک توافق نه‌چندان شامل و گسترده وجود دارد چنانچه ضمانت‌های لازم و قدرتمندی برای آن در نظر گرفته شود، به طوری که بتواند ضامن پایداری آن در یک بازه بلندمدت شود.

آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند هرچند ایران در موقعیتی متفاوت نسبت به قبل قرار دارد، ولی کماکان قدرت عمل قابل توجهی داشته و می‌تواند در برابر سیاست‌های خصمانه آمریکا به طور مؤثری مواجهه کند. به نظر مهم‌ترین عامل در این بین که می‌تواند بر سیاست‌ها و تدابیر طرف آمریکایی تأثیرگذار باشد، به شرارت‌های رژیم صهیونیستی مربوط می‌شود. از این منظر هرگونه اهمال نسبت به جبهه فلسطینی و لبنانی و تحولات جنگ در آن منطقه می‌تواند به مثابه یک ورودی آشوب‌ساز در روند تحولات پیش‌رو باشد.

محمدحسین منجد، مدیرعامل شرکت پارس‌پتروشیمی

انتظار می‌رود چنانچه رژیم صهیونیستی در پیش‌برد منویات خود در دوره جدید از جنگ به موفقیت‌های مدنظر نائل آید، توجهات خود را به میز مذاکرات ایرانی – آمریکایی جلب خواهد کرد تا به هر طریق ممکن آمریکا را به جنگی فراگیر با ایران وادار کند.

به باور نگارنده مهم‌ترین عامل تهدیدزا در شرایط کنونی، اهمال نسبت به وضعیت جنگ در غزه، شرارت‌های احتمالی رژیم صهیونیستی و نیز لابی صهیونیست‌ها در داخل آمریکاست. در هر صورت، نه گزینه جنگ قابلیت اعمال به شکلی ساده‌انگارانه دارد و نه میز مذاکرات به آسانی مسیر خود بر می‌آید

به یک توافق را طی خواهد کرد و آنچه می‌توان انتظار داشت، یک دوره پرتراکم از گفت‌وگوهای سیاسی و فنی است.

تاکید بر عقلانیت، هوشمندی، همه‌جانبه‌نگری و پرهیز از هرگونه شتاب‌زدگی در حوزه تصمیم‌گیری و اقدام از ضرورت‌های اساسی در این مقطع حساس از تاریخ است.

- ✦استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی**

نیز شامل می‌شود، هرچند توضیح مشخصی در تأمین نیاز آبی آن در این مناطق ارائه نشده است، ولی محدودیت عنوان‌شده بر مناطق شهری نیز حاکم است و مدیریت شهری اکثر شهرهای کشور بدون توجه به منبع تأمین آب فضای سبز خود، توسعه فضای سبز و ازجمله این طرح را دنبال می‌کند، غافل از اینکه منابع آب محدوده شهری خارج از سه گروه آب سطحی، آب زیرزمینی و پساب شهری نیست که به غیر از بعضی از مناطق شهری کشور که آب سطحی یا سطح آب زیرزمینی در این مناطق بالاست، دیگر شهرهای کشور در شرایط فقر منابع آب زیرزمینی قرار دارند، بنابراین فشار بیشتر بر این منابع آب، اثرات ناگوار زیست‌محیطی و از جمله فرورفتن را به دنبال خواهد داشت. البته در سال‌های اخیر استفاده از پساب شرب آب آبیاری فضای سبز در شهرها مرسوم شده است و در راستای ایجاد نظام‌نامه تقسیم آب از دیرباز با رعایت همه موضوعات فنی و حقوقی برداشت آب را در طول سال تعریف و تقسیم کرده‌اند. این حق در آبراهه‌ها از جریان کم یک چشمه و قنات تا رودخانه‌های بزرگ همانند اکثر رودخانه‌های کشور از قبیل رودخانه زاینده‌رود، رودخانه کرج، رودخانه درود زن و… را شامل می‌شود. در روش غیرمستقیم آب جریان‌یافته در رودخانه‌های (دائمی، فصلی، مسیلهای کوچک و بزرگ، چشمه‌ها) صرف تغذیه دشت‌های پایین‌دست شده و اصلی‌ترین منبع تغذیه منابع آب این دشت‌ها خواهند بود. مثال برای این نوع حقبه در کشور فراوان است و مبنای تقسیم آب شجاع تأثیر طرح‌های برداشت آب بر یکدیگر بوده و اکثر دشت‌های کشور را شامل خواهد شد

و به عبارتی منابع آب آبخوان‌های کشور در گروه حقبه‌داران و غیرمستقیم از جریان سطحی آبراهه‌ها و رودخانه‌ها قرار دارند و بحرانی‌شدن این دشت‌ها نتیجه رعایت‌نشدن این اصل مهم در رعایت حقبه‌های این آبخوان‌ها بوده است. مطابق آمار ارائه‌شده از طرف وزارت نیرو بالغ بر ۷۰ درصد دشت‌های کشور در شرایط بحرانی و ممنوعه بحرانی قرار گرفته و اکثر منابع سطحی کشور با بیلان منفی روبه‌رو است در این شرایط با توجه به حجم معنی‌داری در تأمین نیاز آبی این درختان، بدون در نظر گرفتن حقوق ذی‌نفعان پایین‌دست، شکاف اجتماعی بین جوامع پایین‌دست و بالادست را افزایش خواهد داد، زیرا برای تأمین نیاز آبی این درختان لاجرم لازم است یا برداشت مستقیم از رودخانه‌ها یا با فشار بیشتر به سفره‌های آب زیرزمینی استفاده از روش‌های مختلف به‌تله‌اندازی آب تحت عنوان آبیخیزداری استفاده کرد. این طرح مناطق شهری را

نیز شامل می‌شود، هرچند توضیح مشخصی در تأمین نیاز آبی آن در این مناطق ارائه نشده است، ولی محدودیت عنوان‌شده بر مناطق شهری نیز حاکم است و مدیریت شهری اکثر شهرهای کشور بدون توجه به منبع تأمین آب فضای سبز خود، توسعه فضای سبز و ازجمله این طرح را دنبال می‌کند، غافل از اینکه منابع آب محدوده شهری خارج از سه گروه آب سطحی، آب زیرزمینی و پساب شهری نیست که به غیر از بعضی از مناطق شهری کشور که آب سطحی یا سطح آب زیرزمینی در این مناطق بالاست، دیگر شهرهای کشور در شرایط فقر منابع آب زیرزمینی قرار دارند، بنابراین فشار بیشتر بر این منابع آب، اثرات ناگوار زیست‌محیطی و از جمله فرورفتن را به دنبال خواهد داشت. البته در سال‌های اخیر استفاده از پساب شرب آب آبیاری فضای سبز در شهرها مرسوم شده است و در راستای ایجاد نظام‌نامه تقسیم آب از دیرباز با رعایت همه موضوعات فنی و حقوقی برداشت آب را در طول سال تعریف و تقسیم کرده‌اند. این حق در آبراهه‌ها از جریان کم یک چشمه و قنات تا رودخانه‌های بزرگ همانند اکثر رودخانه‌های کشور از قبیل رودخانه زاینده‌رود، رودخانه کرج، رودخانه درود زن و… را شامل می‌شود. در روش غیرمستقیم آب جریان‌یافته در رودخانه‌های (دائمی، فصلی، مسیلهای کوچک و بزرگ، چشمه‌ها) صرف تغذیه دشت‌های پایین‌دست شده و اصلی‌ترین منبع تغذیه منابع آب این دشت‌ها خواهند بود. مثال برای این نوع حقبه در کشور فراوان است و مبنای تقسیم آب شجاع تأثیر طرح‌های برداشت آب بر یکدیگر بوده و اکثر دشت‌های کشور را شامل خواهد شد

محمدحسین منجد، مدیرعامل شرکت پارس‌پتروشیمی

بدون اجازه مالکان آنها برداشت و صرف تأمین آب شرب شهرها و روستاها شده است و کمترین ارفاقی که می‌توان به آنها کرد، این است که پساب آن به حقبه‌داران برگردد. این برگشت در منابع آب سطحی، برگشت به رودخانه و در منابع آب زیرزمینی برای تغذیه سفره‌ها خواهد بود. رعایت‌نشدن این موضوع خود مشکلات فراوان اجتماعی و زیست‌محیطی (سطحی و زیرزمینی) کشور رقم زده است که می‌توان به حوضه‌های آبریز زاینده‌رود، کرج، لتیان، درود زن و… اشاره کرد. در پایان پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از تأثیر نامطلوب اجرای این طرح با صرف هزینه‌های زیاد علاوه بر رعایت توصیه‌هایی که مراجعه ذی‌صلاح و نخبکان در زمینه‌های فنی، مالی، حقوقی و اجتماعی طرح ارائه داده‌اند، لازم است حوضه‌های آبریز از نظر منابع آب (سطحی، زیرزمینی، پساب و دیگر منابع) و مصارف آب (شرب، محیط زیست، صنعت و کشاورزی) به صورت یکپارچه مورد مطالعه و آمایش قرار گیرند و با توجه به نتایج این مطالعات دامنه و عمق اجرای این طرح تعیین شود. همچنین بازگردی بر منابع آب تنها بر پایه منابع آب تجدیدپذیر (حداقل حوضه‌های آبریز درجه دو) کشور و در چارچوب رعایت حقوق آب استوار باشد.

مشاوره حقوقی

گزارش فرافکنی و تخلف شهرداری حامد خانجانی مهندس ساختمان

این یادداشت مربوط به وظیفه شهرداری درباره کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان‌ها و شرایط صدور گواهی عدم خلاف و پایان کار ساختمانی از طرف این نهاد و متأسفانه عدول این نهاد از وظایف قانونی و خسارات عمومی وارده ناشی از آن است، بندهای قانونی مرتبط با موضوع مطرح‌شده مرور می‌شود.

۱- طبق بند ۹ ماده ۲ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان (مصوب ۱۳۷۴)، الزام به رعایت مقررات ملی ساختمان، ضوابط و مقررات شهرسازی و مفاد طرح‌های جامع و تفصیلی و هادی از سوی تمام دستگاه‌های دولتی، شهرداری‌ها، سازندگان، مهندسان، بهره‌برداران و تمام اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با بخش ساختمان به‌عنوان اصل حاکم بر همه روابط و فعالیت‌های آنها از اهداف و خط‌مشی‌های این قانون است.

۲- طبق ماده ۳۰ قانون یادشده، شهرداری‌ها مکلف‌اند جهت صدور مجوزهای شروع عملیات و کنترل و نظارت بر ساختمان (برای صدور پروانه و دیگر مجوزها) تنها نقشه‌هایی را پذیرند که از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی دارنده پروانه اشتغال به کار امضا شده باشد و برای انجام فعالیت‌های کنترل و نظارت از خدمات این اشخاص استفاده کنند.

۳- طبق ماده ۳۴ همان قانون، شهرداری‌ها به‌عنوان مراجع صدور پروانه و کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان و امور شهرسازی مکلف‌اند مقررات ملی ساختمان را رعایت کنند. رعایت‌نشدن مقررات یادشده و ضوابط و مقررات شهرسازی تخلف از قانون محسوب می‌شود.

۴- براساس ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرائی ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان (مصوب ۱۳۸۳) شهرداری‌ها و دیگر مراجع صدور پروانه ساختمان موظف‌اند با اعلام کتبی وزارت راه و شهرسازی یا سازمان نظام مهندسی ساختمان استان یا ناظران، درباره وقوع تخلف ساختمانی، در اسرع وقت با اطلاع ناظر، دستور اصلاح [به مالک و سازنده] را صادر کنند و تا زمان رفع تخلف از ادامه کار جلوگیری کنند.

۵- طبق ماده ۲۸ همان آیین‌نامه شهرداری‌ها و دیگر مراجع صدور پروانه ساختمان برای ساختمان‌هایی که طبق تشخیص ناظران و تأیید سازمان نظام مهندسی ساختمان استان، مقررات ملی ساختمان در آنها رعایت نشده باشد، تا زمان رفع نقص، پایان کار صادر نخواهند کرد.

۶- طبق تبصره ۷ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری (اصلاحی ۱۳۵۸/۰۶/۲۷) مهندسان ناظر ساختمانی مکلف‌اند نسبت به عملیات اجرائی ساختمانی که به مسئولیت آنها احداث می‌شود، از لحاظ انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن به طور مستمر نظارت کرده و در پایان کار مطابقت ساختمان با پروانه و نقشه و محاسبات فنی را گواهی کنند. هرگاه مهندس ناظر برخلاف واقع گواهی کند یا تخلف را به‌موقع به شهرداری اعلام نکند و موضوع منتهی به طرح در کمیسیون مندرج در تبصره یک ماده صد قانون شهرداری و صدور رأی بر جریمه یا تخریب ساختمان شود، شهرداری مکلف است مراتب را به نظام مهندسی ساختمان برای طرح در شورای انتظامی مهندسان منعکس کند. مأموران شهرداری نیز مکلف‌اند بر ساختمان‌ها نظارت کنند و هرگاه از موارد تخلف در پروانه به‌موقع جلوگیری نکنند یا درباره صدور گواهی انطباق ساختمان با پروانه مرتکب تقصیری شوند، طبق مقررات قانونی به تخلف آنان رسیدگی می‌شود و درصورتی‌که عمل ارتكابی مهندسان ناظر و مأموران شهرداری واجد جنبه جزائی هم باشد، از این نظر نیز قابل تعقیب خواهند بود. در مواردی که شهرداری کتبه به جلوگیری از عملیات ساختمانی است و دستور شهرداری اجرا نشود، می‌تواند با استفاده از مأموران اجرائیات خود و در صورت لزوم مأموران انتظامی برای متوقف‌کردن عملیات ساختمانی اقدام کند.

۷- طبق تبصره ۸ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری نیز ذفاتر اسناد رسمی مکلف‌اند قبل از انجام معامله قطعی درباره ساختمان‌ها گواهی پایان کار ساختمان و درباره ساختمان‌های تمام‌گواهی عدم خلاف تا تاریخ انجام معامله را که از طرف شهرداری صادر شده باشد، ملاحظه و مراتب را در سند قید کنند.

با وجود موارد قانونی فوق، به‌تازگی در کمال تعجب و تأسف مشاهده می‌شود که شهرداری مناطق تهران گواهی‌های عدم خلافی را صادر می‌کند که نتهن‌ها در متن آن به خلاف رخ‌داده در ساختمان اشاره دارند، بلکه با درج متنی در این گواهی، کنترل و نظارت بر رعایت مقررات ملی ساختمان را خارج از وظایف خود برشمرده و بررسی صحت و تأیید آنها را بر عهده مالکان و ناظران و مجریان به حساب می‌آوردند. درصورتی‌که طبق مواد قانونی یادشده، شهرداری به‌عنوان مرجع صدور پروانه و پایان کار ساختمانی، مسئول کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان‌هاست و صرف استفاده از خدمات مهندسان ناظر، مسئولیت کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان‌ها را از عهده شهرداری خارج نمی‌کند. براساس ضوابط و مقررات، شهرداری‌ها می‌توانند وظیفه کنترل و نظارت ساختمان‌هایی را که بر آنها پروانه ساختمانی صادر کرده‌اند، مستقیماً از سوی کارکنان خود انجام دهند یا آنکه از خدمات مهندسان ناظر دارای پروانه اشتغال به کار استفاده کنند. از طرفی مقررات، شهرداری‌ها را از صدور گواهی عدم خلاف و پایان کار برای ساختمان‌هایی که طبق گزارش مهندسان ناظر برخلاف مقررات ملی ساخته شده باشند، منع کرده است. اما این موارد در صدور گواهی عدم خلاف از طرف شهرداری‌ها رعایت نمی‌شود. به عبارتی با وجود گزارش تخلفات ساختمان از مفاد مقررات ملی از سوی ناظر، شهرداری نتهن‌ها طبق وظیفه قانونی از ادامه کار جلوگیری به عمل نمی‌آورد، بلکه گواهی‌های عدم خلاف صادر می‌کند. در قسمت توضیحات بر و کف یک نمونه گواهی عدم خلاف صادره یکی از مناطق شهرداری تهران چنین آمده است: «طبق… حداکثر ارتفاع بنا ۱۹۰۵ متر با احتساب ۲ متر خریشته بلامنع است.» و در ادامه می‌نویسد: «برابر بازدید به عمل آمده از سوی کارشناسان این مرجع افزایش ارتفاع فعلی ساختمان مورد تأیید نبوده و ارتفاع مجاز همان ۱۹۰۵ متر مجدداً اعلام می‌شود». همچنین در یکی از بندهای قسمت توجه برگ آخر این گواهی آمده است: «صدور این گواهی صرفاً از نظر ضوابط و مقررات شهرداری و متراز و کاربری و طرح‌ها ارزش دارد و از لحاظ رعایت اصول و مقررات ملی ساختمان مسئولیت بر عهده مالک و ناظر و مجری بوده و در این زمینه شهرداری مسئولیتی ندارد.»

این رویه و این نحو عمل‌کردن از طرف شهرداری نتهن‌ها مغایر با مواد قانونی و مقررات یادشده است، بلکه موجب سردرگمی مردم در انجام معاملات ساختمان‌ها می‌شود، زیرا که طبق مقررات، مهم و تلقی عمومی چنین است که ساختمانی که دارای گواهی عدم خلاف و پایان کار ساختمانی است، طبق اصول و ضوابط ساخته شده و فاقد تخلفات ساختمانی است. همچنین شانه خالی‌کردن شهرداری از انجام کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان‌ها، چه از لحاظ اصول معماری و شهرسازی و چه از لحاظ اصول فنی و اجرائی، علاوه بر تحمیل هزینه‌های هنگفت تعمیر و نگهداری بر ساکنان و مالکان بعدی ساختمان، منجر به بروز خسارات سنگین مالی و جانی مردم در زمان وقوع زلزله‌بره‌ها می‌شود. این در صورتی است که قانون این نهاد را مسئول این موارد می‌داند و این نهاد اهرم اجرائی لازم برای توقف عملیات ساختمانی را که برخلاف ضوابط ساخته می‌شود، در اختیار دارد. متأسفانه شهرداری‌ها به دلیل مسائل مالی و دریافت عوارض تخلفات ساختمانی اقدام به تسویه‌حساب با مالکان و سازندگان وقت ساختمان‌ها و صدور گواهی عدم خلاف کرده ولی مالکان و بهره‌برداران آتی را در دچار خسارت می‌کنند. وانهادن مسئولیت نظارت بر اجرای ساختمان‌ها و توقف عملیات ساختمانی که برخلاف مقررات ملی ساخته می‌شود، بر عهده مهندس ناظری که هیچ‌گونه مسئولیت و اهرم اجرائی جز نوشتن و ارائه گزارش به شهرداری را ندارد، فرافکنی شهرداری در وظایف قانونی است. موارد مطرح‌شده طبق قانون تخلف شهرداری از انجام وظایف است.

^[1] این یادداشت مربوط به وظیفه شهرداری درباره کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان‌ها و شرایط صدور گواهی عدم خلاف و پایان کار ساختمانی از طرف این نهاد و متأسفانه عدول این نهاد از وظایف قانونی و خسارات عمومی وارده ناشی از آن است، بندهای قانونی مرتبط با موضوع مطرح‌شده مرور می‌شود

^[2] این یادداشت مربوط به وظیفه شهرداری درباره کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان‌ها و شرایط صدور گواهی عدم خلاف و پایان کار ساختمانی از طرف این نهاد و متأسفانه عدول این نهاد از وظایف قانونی و خسارات عمومی وارده ناشی از آن است، بندهای قانونی مرتبط با موضوع مطرح‌شده مرور می‌شود